

## میرعبدالرحمان حسینی هروی و شیوه‌شناسی خط او

نیک محمد مستمند<sup>۱</sup>

### چکیده

میرعبدالرحمان حسینی یکی از این برجسته‌ترین خوشنویسان هرات در سده سیزدهم هجری قمری است. این هنرمند در حدود سال ۱۲۰۰ - ۱۲۶۸ق. و در عصر حکومت درانی در هرات و کابل می‌زیست و به شیوه میرعلی هروی می‌نوشت. از او قطعاتی در قالب‌های چلپا، سیاه‌مشق و نستعلیق در مجموعه‌های شخصی و دولتی در کشورهای مختلف به جای مانده است. در این مقاله با جستجوی فراوان آثار او در مجموعه‌های مختلف احوال و روزگار این خوشنویس زبده را معرفی و در بخش پایانی مقاله به شیوه‌شناسی خط او بر اساس آثار و قطعات بازمانده پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: میرعبدالرحمان حسینی، خوشنویسی سده سیزدهم، هرات، کامران سدو زایی.

### مقدمه

هرات از جمله شهرهایی است که از گذشته تاریخی، فرهنگی و هنری پرباری برخوردار است. هنر و فرهنگ در سده نهم در هرات رشد و اعتلایی به خود دید. دربار فرهنگ‌گستر شاهزاده تیموری (حک. ۷۰۸ - ۷۸۵ق.) برگی نو در تاریخ این سرزمین رقم زد. هنرمندان و دانشمندان از حمایت بی‌دریغ شاهزاده و فرزند هنرمندش بایسنگر (۷۹۹-۸۳۷ق.). آگاه شدند و به هرات شتافتند و جذب مکتب هنری و دانشی آنان شدند. صدها اثر ارزشمند در این دوره پدید آمد که شمار قابل توجهی از آن‌ها امروز زینت‌بخش موزه‌های هنری دنیاست.

۱. پژوهشگر خوشنویسی و کارمند ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات - mostamand\_ghori2@yahoo.com

در نیمة دوم سده نهم سلطان حسین باقیرا (حک. ۸۷۳ - ۹۱۱ق.) همراه با وزیر دانشمند خود امیرعلی شیر نوایی دامنه فرهنگ و هنر را گسترش داده که در نتیجه هنرمندان بزرگی چون کمال الدین بهزاد، سلطان علی مشهدی، میرعلی هروی و ... از این مکتب سربرافراشتند که بعدها برخی از آن‌ها در ایجاد مکاتب هنری دیگر نقشی برجسته داشته‌اند. در دوره صفوی نیز این هنر به استمرار و حیات خود در هرات ادامه داد و حسن‌خان شاملو، شفیع‌ای هروی، مرتضی قلی‌خان شاملو، میرزا ارشد بربنابادی و ... از سرآمدان این هنر محسوب می‌شدند.

در دوره سدو زایی‌ها تلاش‌های فرهنگی و حمایت‌های هنری به کمترین سطح خود در هرات رسید. با این هم در این دوره هنرمندانی سر برآورده و در خوش‌نویسی ابداعاتی از خود به خرج دادند. یکی از برجسته‌ترین این هنرمندان، میرعبدالرحمان هروی است که در حدود سال ۱۲۰۰ - ۱۲۶۸ق. می‌زیست. میرعبدالرحمان به شیوه میرعلی هروی می‌نوشت و قطعات زیبایی در قالب‌های چلیپا، سیاه‌مشق و نستعلیق از او در آرشیف ملی افغانستان و تعداد بسیاری هم در مجموعه‌های شخصی و دولتی در کشورهای ایران، پاکستان، هند، ترکیه و اروپا دیده می‌شود.

### نگاهی به زندگی و سفرهای میر

میرعبدالرحمان الحسینی از سادات حسینی هرات بود و برجسته‌ترین خوش‌نویس سده ۱۳ هجری قمری هرات محسوب می‌شود. وی در منابع مختلف با نام‌های میرزا عبدالرحمان هروی، عبدالرحمان میر میران و میرعبدالرحمان آخوندزاده هروی یاد شده‌است. تاریخ تولد و نام پدرش به درستی معلوم نیست ولی از این‌که او را آخوندزاده می‌نامیدند، پیداست که پدرش هم اهل دانش و فضل بوده‌است، او در عهد سلطنت تیمورشاه درانی قدم به عالم هستی نهاد و در دوره زمان‌شاه و محمودشاه به سن شباب رسید.<sup>۱</sup>

میرعبدالرحمان آموذش‌های ابتدایی خوش‌نویسی را از یک لشکرنویس که نامش مشخص نیست در هرات فرآگرفت. او بارها از این لشکرنویس به عنوان استاد خود ذکر کرده و از وی به نیکی یاد نموده‌است. فکری سلجوقی می‌گوید: «از مرحوم سید محمد عمر پیله‌کش که نواسه میرعبدالرحمان است، شنیده شده که می‌گفت: جدم میرعبدالرحمان بارها از لشکرنویس که استاد او بود به خیر یاد می‌کرد و می‌گفت: روزی کاغذ مشق به استاد بردم تا مشق گذشته‌ام را اصلاح نماید و به من مشق تازه بدهد. چون به مشق گذشته من به دقت نظر کرد، قلم‌دان و کاغذها را جمع کرد و بر دست و روی من بوسه داد و گفت: ای مخدومزاد! هر چند مرا بر

۱. وکیلی فوغلزایی، عزیزالدین، هنر خط در افغانستان در دوران اخیر، ۱۳۴۲، ص. ۱۴.

تو حق استادیست از امروز به تو خط شاگردی می‌دهم. پس این پیرانه‌سر هوای مشق مرا در سر افتاد، مرا به شاگردی قبول کن زیرا دلچسبی و روشنی و لذتی که در خط تو دیدم بر دفتر نستعلیق‌نویسان خط بطلان کشیدم و آن قدر مرا نوازش نمود که از لطف‌های پدرم فراموش کردم. پس از آن به خانه نشستم و در به روی همه بستم و از روی خطوط میرعلی هروی، میرعماد و عبدالرشید به دقت تمام مشق می‌کردم. معیشت ما در حالی که پدرم چندی قبل از آن وفات یافته بود به عُسرت سپری می‌شد و مادر پیرم به من خدمت می‌کرد. روزی نان خواستم مادرم دسته‌ای از نوشتۀ‌هایم را پیش گذاشت و گفت: جز این‌ها چیزی در بساط نیست. با تأثیر از خانه برآمدم و به فکر کار افتادم، ابتدا به میرزا بی اقدام کردم و رشتۀ کار را ادامه دادم».<sup>۱</sup>

میرعبدالرحمان پس از سپری‌نمودن دوره‌های ابتدایی خوش‌نویسی وارد دوره جدیدی شد. دوره‌ای که میر را متحول و از یک هنرجوی مبتدی به استاد مسلم خط نستعلیق تبدیل نمود. در واقع در این دوره زمانی بود که میرعبدالرحمان کار خود را با مشق نظری از روی کارهای نستعلیق‌نویسان بزرگی چون میرعلی هروی و میرعماد قزوینی شروع نمود و به خوبی با نیوغ و استعداد ذاتی که داشت جایگاه خود را در بین نستعلیق‌نویسان بزرگ قبل از خود ثبت نمود.<sup>۲</sup> میرعبدالرحمان جز خوش‌نویسی، دستی در شاعری هم داشت. فکری سلجوقی می‌گوید که از اشعار او جز یک رباعی بیشتر نتوانسته به دست بیاورد که آن را هم برای شاه محمود در طلب چوب سروده و با خطی خوش نگاشته و به او فرستاده و آن رباعی این است:

سرما شد و برف مستمندم دارد	بیمار و ضعیف و دردمندم دارد
من دzd نیام و لیک سرما چون دzd <sup>۳</sup>	شب تا به سحر غلوله‌بندم دارد

«در سال ۱۲۳۲ق. در فرصتی که اشخاص متمول و باهنر موقع را نظر به بعضی کشاکش‌ها حسّاس دانستند، در زمرة آن گروه میرزا عبدالرحمان از هرات به عزم اقامت به قندھار روآورد و این‌که قندھار در حال محاصره مشاهده می‌شد، چند روز در قلعهٔ فراه با بزرگزادگان درانی به سر برد. پس از شکست محاصره به قندھار رفت و در آن زمان حاکم قندھار شیردل‌خان بارکزایی بود. در مدت اقامت خود در قندھار با بزرگانی چون مولانا میرفخرالدین احمد و فقیرالله شکارپوری ملاقات نمود و به اتفاق شکارپوری عازم شهر غزنه شد و دو هفته در آنجا اقامت نمود و در این

۱. همان، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. فکری سلجوقی، «میرعبدالرحمان هروی»، شماره ۲ و ۳، سال ۱۳۱۴، ص ۶۲ و ۶۳.

مدت ملاقات‌های زیادی با بزرگان و افاضل غزنه داشت و همه به علم و هنر میر پی بردند. در ملاقاتی که با عزت‌الله کلاتی داشت، وی با ملاحظه استعداد و نبوغ فراوان میر، وی را به رفتن به کابل تشویق کرد. میر با هم‌کاری امیر‌محمد‌خان حاکم غزنه و میان عزت‌الله کلاتی به کابل رفت. در آن وقت سردار حبیب‌الله‌خان بن سردار محمد‌عظیم‌خان امیر کابل بود. وی میر را با عزت و احترام به دربار خود پذیرایی نمود و با تمام وجود از میر حمایت نمود و به میر گفت که تا هر زمان حکومتش به طول انجامد، وی را در کابل نگه می‌دارد.

میرعبدالرحمان تا سال ۱۳۳۹ق. در کابل ماند. او ظاهراً از رفتن و طولانی شدن سفرش خرسند نبوده ... و می‌گفت: «در هرات به یاد لیلا می‌نوشتم و در کابل به یاد هرات می‌نویسم» و به فراق دوستان قدیمی ریاضی می‌سرود و نامه‌ها می‌نوشت. پس از این‌که سردار محمد‌عظیم‌خان ناظم کشمیر در سال ۱۳۳۹ق. چشم از جهان بست، در کابل بین سرداران بی‌اتفاقی رخداد و هر یک در طلب امارت برآمدند و کوشش می‌نمودند که هنرمندان و نویسندهای کابل را به خدمت بگیرند. در این میان میرعبدالرحمان را شیردل‌خان به خدمت گرفته و در همین سال با خود به قندهار آورد. میر مدت چهار سال در قندهار در خدمت شیردل‌خان به سر برداشت. در سال ۱۳۴۲ق. شیردل‌خان در قندهار وفات نمود و میرعبدالرحمان بدون درنگ پس از ده سال وارد هرات شد و از سوی محمودشاه درانی حاکم هرات و پسرش شاهزاده کامران به گرمی استقبال گردید. محمودشاه درانی در سال ۱۲۴۵ق. در هرات وفات نمود و پسرش کامران به جای پدر حاکم هرات گردید و به حمایت میر بیشتر از پیش همت گماشت و در همین سال برای میرعبدالرحمان لقب «میر میران» را اعطای نمود.<sup>۱</sup> او چند سال بعد چنان اهمیت یافت که بنا به گفته فیض‌محمد کاتب یکی از شروط صلح محمدشاه قاجار و ترک محاصره هرات بود:

... شاهزاده کامران و وزیر یار‌محمد‌خان به امید رسیدن کمک از خوارزم و میمنه و غیره مواضع که پسرش را چنان‌چه از پیش رقم گشت فرستاده و مدد خواسته بود، طریق صلح پیش گرفتند که به بهانه صلح شاه ایران را از تطبیق دادن شهر باز دارند و آن‌گاه که کمکیان در رسید، ایشان از پیش و آنان از پس، لشکر ایران را در میان گرفته به قتال و جدال پردازند. پس کس نزد اعلیٰ حضرت محمدشاه فرستاده، طالب صلح شدند و شاه [ایران] پاسخ نمود که شاهزاده کامران با وزیر یار‌محمد‌خان همین‌قدر اقرار و اعتراف کنند که هرات خاک ایران است، در ازای آن ولایت خواف را نیز بدیشان سپرده، راه مراجعت باز گیرم. به شرط آن‌که شاهزاده کامران یا وزیر یار‌محمد‌خان یکی به پاس حرمت سلطنت از



شهر حاضر آمده با من ملاقات کنند و هم میرعبدالرحمان خوشنویس را که در هرات به عُسرت روز می‌گذراند به دولت ایران سپارند که به اعزاز و اکرام کمالش در ایران، به استراحت حال بگذارند ... میرعبدالرحمان خودش قبول رفتن ایران نکرده و سر باز زد.<sup>۱</sup>

با مطرح شدن خواسته محمدشاه قاجار، میر چاره‌ای جز فرار از شهر و مخفی شدن نداشت. «به قرار روایت صوفیزادگان هرات، میر قبل از فرار به قلعه کاه فراه در اوقات شور و غوغای پس از مطالبه محمدشاه قاجار چند یوم در قریه پشک در میان سادات آن‌جا شب و روز گذراند<sup>۲</sup>». محاصره هرات با مداخله انگلیس‌ها پس از ده ماه در سال ۱۲۵۵ق. شکسته شد و میرعبدالرحمان هم به شهرش بازگشت و تا پایان عمرش در هرات می‌زیست.

### درگذشت و آرامگاه میر

میرزا عبدالرحمان پس از عمری تلاش و کار و سختی‌های زندگی به بیماری‌های مختلف دچار شد و سرانجام در سال ۱۲۶۸ق. در هرات درگذشت و جسدش را با تشییع بسیار باشکوهی با شرکت گروههای مختلف مردم در مزار شاهزاده عبدالله به خاک سپردند. میرزا محمدعلی سنگلاخ از درگذشت میر یاد کرده<sup>۳</sup> اما تاریخ آن را درج نکرده است. میرزا عبدالسمیع خان بن محمدمحسن کابلی یازده سال پس از مرگ میر به هرات آمد و قصد داشت سال درگذشت میر را بیابد. او بر اساس روزنامچه داروغگی قلعه هرات و حوادث سال ۱۲۶۸ق. مؤفق به دریافت سال تاریخ درگذشت میر شد. به نظر می‌رسد که مدفن میر در این زمان دارای لوح سنگی نبوده است.

در سال ۱۲۷۹ق. با جمعی از محبان کابلی بر رکاب نصرت انتساب جناب امارت‌مااب به هرات آمدیم، در سدد آن شدیم تا تاریخ دقیق وفات میر را تثبت نماییم. چرا که مردم سال ورود و عزیمت میرزا احمدخان مستوفی دیوان را که بلا اشتباه سنه ۱۲۶۸ق. بود از روی ثبت روزنامچه داروغگی قلعه و هفت نامجات دیوانی که حاضر بود شاهد آورده شد و گفته‌ند فوت میر در آن سال مطابق است و تعلیق‌چه‌جات آن سال که به جهت انسداد طرق و تحصین ردوبدل شده بود گواهی بخشید و ترحیل حضرت میر به صورت اصح از مطابقت نشانی‌های مردم به صحت پیوست ... و این تاریخ ۱۲۶۸ق. پس از دوازده سال از وفات میر جدا از این‌که در دفتر روزنامچه خاصه ثبت گردید، به صورت نظم نیز ترتیب و درج صفحات نمودیم تا یادگار باشد برای ارباب تحقیق. به دست خط حقیر فقیر سراپا

۱. کاتب، ملافیض محمد، سراج التواریخ، ج ۱، ۱۳۳۱، ص ۱۳۱.

۲. وکیلی فوغلایی، عزیزالدین، هنر خط در افغانستان در دوران اخیر، ۱۳۴۲، ص ۱۹.

۳. سنگلاخ، میرزا محمدعلی، تذكرة الخطاطین، ۱۲۹۱ق.، ج ۲، ص ۲؟



قصیر، بندگان الله بن المرحوم مغفور جنت‌مکان خلدآشیان عالی‌جاه رضوان‌جاگاه  
میرزا عبدالسمیع خان محمد‌محسن کابلی به حکم اذکروا امواتکم بالخير نگاشته شد.<sup>۱</sup>  
ملا ابوبکر تسلیم پدر ملا عبدالرحمن عاشق از دوستان میرعبدالرحمان و از شاعران مطرح  
هرات در قطعه زیبایی تاریخ فوت میرزا را به نظم درآورده و نجف‌علی سلمانی، شاگرد وی، به  
خط نستعلیق بسیار عالی بر روی سنگ مرمری نوشت و بر آرامگاه وی در درون گنبد مزار سید  
عبدالله بن معاویه بین رواق جنوب‌شرقی گنبد قرار دارد.

### حواله‌الفغور

معنی هستی ما نیستی آمد به بیان	تا رقم زد ز ازل لفظ اجل کلک قضا
میر و میرزای حسینی نسب عبدالرحمن	شاه اقلیم خط و ماه فلک‌جاه هنر
نور بینایی چشم خرد و جوهر جان	آن‌که از کلک ڈر سلک همه عمر نگاشت
روح افزای همه چون جعد رخ حورجان	کلمات و قطعات خط نستعلیقش
طاقدار قصر به صد زیب کند مشک‌فشن	حق به فردوسش از آن برد که از نوک قلم
ماند ازو باقی و تاریخ «خط خوب آن» <sup>۲</sup>	چون به فرمان اذا جاء اجل شد به بهشت

پژوهشگران شماری از خوش‌نویسان نستعلیق از جمله شاهزاده جهانگیر بن تیمور، خلیفه ملا  
محمد‌حسین سلجوقی و نجف‌علی سلمانی را از شاگردان بر جسته میرعبدالرحمان خوانده‌اند.<sup>۳</sup>

### کارنامه هنری و شیوه‌شناسی خط میر

با آن‌که در مورد میرعبدالرحمان منابع اندکی وجود دارد و به ویژه در مورد زندگی میر در دستگاه  
حکومت‌های وقت جزئیاتی در اختیار نداریم، با آن‌هم به نظر می‌رسد نخستین تحقیق درباره او  
را عبدالرئوف فکری سلجوقی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در مجله‌ادبی هرات در مجموعه مقالاتی

۱. وکیلی فوغلزایی، عزیزالدین، هنر خط در افغانستان در دو قرن/آخر، ۱۳۴۲، صص ۲۴-۲۵.

۲. بیانی، مهدی، احوال و آثار خوش‌نویسان، ۱۳۶۳، ص ۳۷۷؛ نعیمی، علی‌احمد، خطاطان و نقاشان هرات، ۱۳۵۳، ص ۱۲۷؛ هروی، دوست‌محمد، ذکر برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان (تعليقات فکری سلجوقی بر دیباچه دوست‌محمد)، ۱۳۴۹، ص ۶۶؛ فکری سلجوقی، رساله مزارات هرات، ۱۳۸۶، ص ۳۰۳؛ وکیلی فوغلزایی، عزیزالدین، هنر خط در افغانستان در دو قرن/آخر، ۱۳۴۲، ص ۲۵. از ماده تاریخ این قطعه ۱۲۶۸ اق. به دست می‌آید.

۳. نعیمی، علی‌احمد، خطاطان و نقاشان هرات از ادوار تیموری تا نخستین سال‌گرد جمهوری، ۱۳۵۳، ص ۱۸۲؛ هروی، دوست‌محمد، ذکر برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان (تعليقات فکری سلجوقی بر دیباچه دوست‌محمد)، ۱۳۴۹، ص ۶۸ و فکری سلجوقی، «میرزا عبدالرحمان هروی»، مجله‌ادبی هرات، شماره ۲ و ۳، ثور و جوزای ۱۳۱۴، ص ۶۲).

با عنوان «خطاطان» نوشت. فکری بار دیگر در همین مجله در سال ۱۳۲۹ نیز مقاله دیگری در مورد میرزا عبدالرحمان هروی نوشت. این پژوهشگر معتقد است که پس از میرعماد قزوینی، میرعبدالرحمان اولین استادیست که نستعلیق را بدان شیرینی و نزاکت نوشت و پس از آن در حدود افغانستان کسی دیگر نتوانسته است خط را بدان درجه نیکوبی و قشنگی نویسد.<sup>۱</sup> بعدها رضا مایل هروی در پژوهش‌های خود به میرعبدالرحمان توجه کرد و او را از خوشنویسانی می‌خواند که در دو صد سال اخیر در صفت نخست استادان و خطاطان بزرگ قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> مایل هروی در مقاله‌ای دیگر میرعبدالرحمان را از پرچمداران هنر خطاطی در افغانستان در صد و پنجاه سال گذشته به حساب آورده و او را در سیاه مشق و چه در خط خفی و جلی دارای قلم پُرقوت دانسته است. به باور او میرعبدالرحمان در واقع مکتبی در خطاطی باز کرد که کاملاً شیوه خراسانی داشت و این مکتب تا امروز با وجود این‌که با شیوه خطاطی هند نیز برخورد کرده، باز هم خصوصیات خود را حفظ کرده است.<sup>۳</sup>

در کابل بیش از همه عزیزالدین وکیلی فوغلزایی در آثارش به میر پرداخت و جزئیاتی از زندگی میر در دستگاه سردار امیر حبیب‌الله خان در کابل، شاه محمود و پسرش شاهزاده کامران در هرات به دست می‌دهد. او با آن‌که منابع خود را معرفی نمی‌کند بر خلاف قول خود میر که پیشتر نقل شد و میر از فقر و مسکن خود سخن گفته بود، از رفاه و آسایش او در دربار این شاهان و شهزادگان سخن می‌زند.

برخی مؤرخان به این نظر هستند که میر زندگی فقیرانه و بی‌تكلفی داشت.<sup>۴</sup> شب و روز خود را با مشق و تمرین خط و آموزش این هنر به شاگردان سپری می‌نمود. فکری سلجوقی نوشه که او بی‌علاقه به مال دنیا بوده و از مال دنیا چیزی نگاه نداشت و علی‌احمد نعیمی گفته است که مردی بی‌بضاعت و فقیر بوده است<sup>۵</sup>. اما عزیزالدین وکیلی این گفته‌ها را رد کرد و نوشه است: «بعضی‌ها که از نظر تعصب نخواسته‌اند از نسبت‌های رسمی و اعزازی و روابط مستقیم آن پروردۀ دستگاه سلطنت افغانی تذکر دهند او را به فقر و فاقه و آوارگی نسبت داده، از امتیاز تقرّب و عیش و تنّع او اغماض کرده‌اند».<sup>۶</sup>

۱. فکری سلجوقی، عبدالرؤوف، «میرعبدالرحمان حسینی»، شماره ۲ و ۳، ثور و جوزای ۱۳۱۴، ص ۶۱.

۲. مایل هروی، رضا، «پویشی در شناخت خط» در کتاب نخستین سمینار هنر خط در دو قرن اخیر افغانستان، ص ۴۰.

۳. مایل هروی، غلام رضا، «هنر خطاطی افغانستان امروز»، مجله هنر و مردم، ۱۳۴۹، ص ۱۹.

۴. خسته، خال محمد، «میرعبدالرحمان»، مجله آریانا، ۱۳۳۶، صص ۱۵ - ۱۶.

۵. هروی، دوست محمد، ذکر برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان (تعلیقات فکری سلجوقی بر دیباچه دوست محمد)، ۱۳۴۹، ص ۶۶؛ نعیمی، علی‌احمد، خطاطان و نقاشان هرات از دوران تیموری تا نخستین سال‌گرد جمهوری، ۱۳۵۳، ص ۱۲۷.

۶. وکیلی فوغلزایی، عزیزالدین، هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر، ۱۳۴۲، ص ۱۵.



از میرعبدالرحمان آثار زیادی در قالب قطعه خط، سیاه مشق و ... مانده و همچنان برخی پژوهشگران سنگ مزار سلطان سیداحمد کبیر در محل قطبیچاق، حوض شیخ محمد غازی در محل بردرانی‌ها و سنگ مزار وزیر یارمحمد الكوزایی در شمال هرات را به او نسبت می‌دهند اما در هیچ کدام از این کتبه‌های سنگی امضای میرعبدالرحمان دیده نمی‌شود.

حال محمد خسته در خصوص آثار میرعبدالرحمان می‌گوید که از میرعبدالرحمان بیشتر سیاه مشق دیده است و با وجود پرس‌وجوی زیاد از اشخاص سال‌خورده که در سال‌های ماضی در هرات مأموریت داشته‌اند از میر جز سیاه مشق و برخی قطعات فرمایشی چیز دیگری مطلع نشده است. او در پایان نوشته‌است: «نگارنده تا امروز کتابی به خط میر ندیده‌ام اما یقین دارم که خط خفی او مانند جلی خواهد بود. اگر چه در قطعات به قلم خفی امضا کرده، لیکن به خط شکسته نه به خط نستعلیق. میر شاید از انواع خط بی‌خبر نبوده باشد اما به نستعلیق توجه خاص داشته ... قطعاتش در کلکسیون‌های قدردانان محفوظ و طرف استفاده می‌باشد در مجله‌ها و سالنامه‌های کابل بعضًا طبع و نشر شده».<sup>۱</sup>

امروز و چند دهه پس از آخرین تحقیقات درباره او، قطعه‌خط‌های فراوان او در بازار نسخه‌فروشی در هرات و کابل دیده می‌شود و آثار ارزشمند او در مجموعه‌های صاحبان اسناد و نسخه‌های خطی نگه‌داری می‌شود. ما در خلال نگارش این تحقیق چندین بار با آثار او که تا کنون در جایی نیز ثبت نشده، مواجه شدیم.

### الف. شیوه‌شناسی خط میر

به صورت کلی خط نستعلیق به دو شیوه شرقی و غربی تقسیم می‌شود که هر کدام این شیوه‌ها دارای استادان بزرگ و پیروان خود هستند. شیوه غربی به رهبری میرزا عبدالرحمان خوارزمی و پسرانش عبدالکریم و عبدالرحیم مشهور به اینیسی که از خوش‌نویسان دربار سلطان یعقوب آق‌قویونلوها (حک. ۸۸۳-۸۹۶ق.) بودند، پایه‌گذاری شد و بیشتر در مناطق غرب و جنوب قلمرو و حاکمیت تیموریان رایج شد. این شیوه به تدریج به سمت هند و عثمانی راه یافت که هنوز آثارش در خوش‌نویسی کاتبان هند و عثمانی دیده می‌شود.

شیوه شرقی نیز بیشتر سبک و اسلوب استادان بزرگی چون سلطان علی مشهدی (د. ۹۲۶ق.) و میرعلی هروی (د. ۹۵۱ق.) می‌باشد و به مراتب از شیوه غربی پیروان و علاقه‌مندان زیادتری داشته است. در شیوه نستعلیق شرقی عده‌ای از پژوهشگران بر این نظراند که چهار استاد دارای

۱. خسته، خال محمد، «میرعبدالرحمان»، مجله آریانا، شماره مسلسل ۱۷۷، میزان ۱۳۳۶، صص ۱۴ - ۱۶.

سبک و اسلوب هستند: میرعلی هروی (د. ۹۵۱ق.)، میرعماد قزوینی (د. ۱۰۲۴ق.)، محمدرضا کلهر (د. ۱۳۱۰ق.) و غلامرضا اصفهانی (د. ۱۳۰۴ق.) و به سبک‌های چهارگانه نیز شهرت دارند. البته باید یادآور شد که این سبک‌ها هر کدام به شاخه‌های زیادی تقسیم شده‌اند و شاگردان و پیروان خاص خود را دارند.

هرات که در آن زمان یکی از مراکز هنرهایی چون خوش‌نویسی، معماری و نگارگری بود، بسیاری از هنرمندان در این شهر گرد آمدند و همه در رقابتی نفسگیر سعی در ورود به دربار داشتند. در کشاكش این رقابت‌ها سلطان‌علی مشهدی با نبوغی که در خوش‌نویسی داشت به دربار سلطنتی راه پیدا نمود و مورد تشویق و حمایت دستگاه سلطنت و به ویژه امیرعلی‌شیر نوایی قرار گرفت و در خط نستعلیق سرآمد عصر خود شد. بعد از سلطان‌علی مشهدی، میرعلی هروی از شاخص‌ترین خوش‌نویسان اواخر حکومت تیموری و اوایل حکومت‌های شیبانی و صفوی است. بعد از وی هنرمندان خط نستعلیق از شیوه و سبک او پیروی نموده‌اند و میرعماد قزوینی نیز نیمی از عمر هنری خود را از شیوه وی پیروی کرد تا این‌که میرعماد نیز با ممارست زیاد توانست در نوشتگری خود شیوه‌ای را رقم بزند و یکی از استادان مسلم و دارای سبک در این شاخه از هنر شود.

با وجود این‌که هرات در زمان صفویان به نسبت دوره قبل از آن از مرکزیت و محوریت خارج گردیده بود، با آن هم تعداد زیادی از هنرمندان نستعلیق‌نویس و تعلیق‌نویس چون حسن‌خان شاملو، میرزا شفیع، میرزا ارشد برنا بادی، خواجه اختیار منشی و ... در آنجا حضور داشتند.

در اواخر این دوره خط نستعلیق از شیوه و سبک قدیمی مکتب هرات فاصله گرفت و دست‌خوش سبک غربی که در هند رایج بود، شد و شیوه جدید بینایین را از امتزاج دو شیوه‌غربی و شرقی شکل داد. به طور مثال خوش‌نویسانی که در مناطق مرکزی و جنوب‌شرقی افغانستان زندگی می‌کردند خط‌شان تحت تأثیر شیوه‌غربی نستعلیق و سبک میرزا عبدالرحمان خوارزمی قرار گرفته است.

با روی کار آمدن حکومت سدو زایی‌ها (حک. ۱۱۶۰ - ۱۲۴۳ق.) در جغرافیای کنونی افغانستان از توجه به هنر خوش‌نویسی کاسته شد و حکام کشور درگیر فتوحات و کشورگشایی‌ها شدند و به سمت شبه قاره هند رفتند و از هنر و هنرمندان فاصله گرفتند و هنرمندان به ناچار یا آواره سرزمهین‌های دیگر شدند یا با همان عشقی که به هنر خط داشتند به صورت شخصی کارهای هنری خویش را ادامه دادند. تنها تأثیری که این فتوحات بر هنر خوش‌نویسی ما داشت،



این بود که شیوه و سبک خوش‌نویسی هند به صورت گسترده در این سرزمین رایج گردید و از سویی هم هنر خط در افغانستان تقریباً رو به ضعف گذاشت و در حال نابودی قرار گرفت.

میرعبدالرحمان حسینی هروی که حکومت‌های تیمورشاه (حک. ۱۱۸۶ - ۱۲۰۷ق.)، زمانشاه، شاه‌محمد و کامران و وزیر یار‌محمدخان را درک کرد در اوایل کار خود را از روی قطعات میرعلی هروی و میرعماد قزوینی آغاز نمود و ترکیبی از دو شیوه این دو خوش‌نویس برجسته را یک‌جا می‌نوشته است. آثار میرعبدالرحمان هروی را می‌توان به دو دسته کلی قبل از سفر به کابل و بعد از سفر به کابل تقسیم نمود. آثاری که در دوره اول نوشته آثار تقليدی است که معمولاً خطاطان در ابتدا از استادان ماقبل خود تقليد می‌نمایند تا با تمام رازها و ظرافت‌های خط آشنا شوند و قدرت دست و قلم آنان بالا رود. میرعبدالرحمان نیز در این دوره از شیوه‌های میرعلی هروی و میرعماد قزوینی که در آن روزگار بسیار مشهور و در واقع همین دو شیوهٔ شرقی قابل قبول نستعليق نویسان بوده، پیروی نموده است. از آثار میرعبدالرحمان چنان استنباط می‌شود که او تا هنگامی که در هرات بوده است خط و سبک نستعليق خود را کاملاً با شیوهٔ شرقی می‌نوشته است.

دوره دوم دوره‌ای است که خطاطان بعد از این که به درجه استادی رسیدند، با ذهن دقیق و خلاق خود می‌توانند تغییراتی را در خط وارد کنند. میرعبدالرحمان هروی از نبوغی که در خط نستعليق داشت با ترکیب از دو شیوه مشهور شرقی (میرعلی هروی و میرعماد حسینی) شیوهٔ جدیدی را برای خود ایجاد کرد. او پس از سفر به کابل در سال ۱۲۳۲ق. تا اندازه‌ای تحت تأثیر شیوهٔ غربی که قبلاً وارد هند و از هند وارد مناطق مرکزی و جنوب شرقی افغانستان شده بود، قرار گرفته و در شیوه و اسلوب میرعبدالرحمان رنگ و بوی دیگری ایجاد شد.

### ب. شگردهای خوش‌نویسی میر

میرعبدالرحمان حسینی با معرفی شیوه خود، برای شاگردان و دوره‌پس از خود و خوش‌نویسانی که بر سر دوراهی قرار گرفته بودند، راهی تازه گشود. به نظر می‌رسد سهم او در سیر و تحول نستعليق، بیش از آن چیزی است که تا کنون به آن پرداخته شده است و این امر، ناشی از در دسترس نبودن آثار او و عدم بررسی آن‌هاست. معمولاً میرعبدالرحمان چلیپاهای خود را در دو مرکزیت قلم (دو دانگ و سه دانگ) می‌نوشت و از سیاه‌مشق‌های وی چنان بر می‌آید که قلم خود را درشت‌تر (چهار دانگ و پنج دانگ) انتخاب می‌نمود و از دانگ‌های کوچک‌تر نیز در ترکیب‌های سیاه‌مشق‌های خود استفاده نموده است.

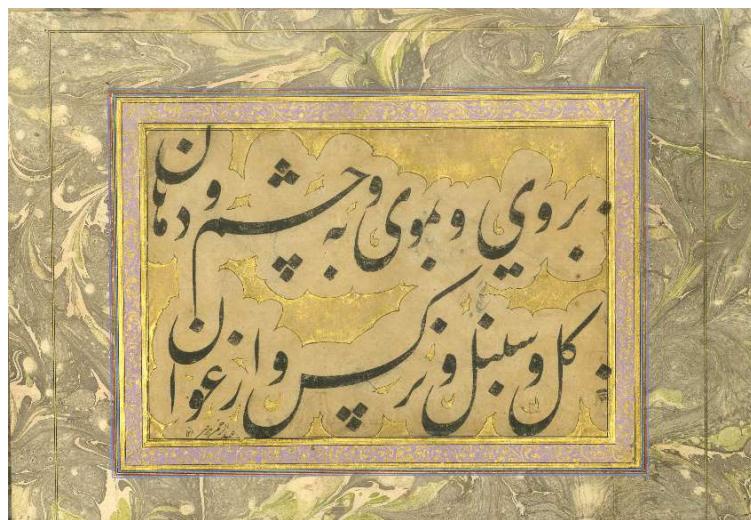
آن‌چه در چلیپاهای و سیاه‌مشق‌های بر جای مانده از میرعبدالرحمان هروی در آرشیف ملی



افغانستان در کابل، بیش از همه جلب توجه می‌کند، دقت در رعایت ریتم کشیده‌ها، دوایر، انسجام و پیوستگی، سواد و بیاض، قدرت و سرعت دست، صافی، تناسب حروف، ترکیب‌بندی یا روحی هم قرارگرفتن مناسب حروف است. در قطعات سیاه‌مشق وی نیز تمام قواعد خط رعایت گردیده است. با آن‌که سیاه‌مشق‌های وی بسیار پرکار هستند اما حروف بی‌تناسب در بین این قطعات دیده نمی‌شود.

از ویژگی‌های شیوه سیاه‌مشق‌های میرعبدالرحمان می‌توان به داشتن ویژگی‌های شیوه خودش (تندی، تیزی، ظرافت و صافی)، توجه ویژه به قالب سیاه‌مشق و شناخت کامل از فضاهای مثبت و منفی در آن، سرعت در نگارش و دقت در چیدمان حروف و خارج کردن آن از یک قالب صرف تمرينی و افزودن بعد زیبایی شناختی به این قالب اشاره کرد.

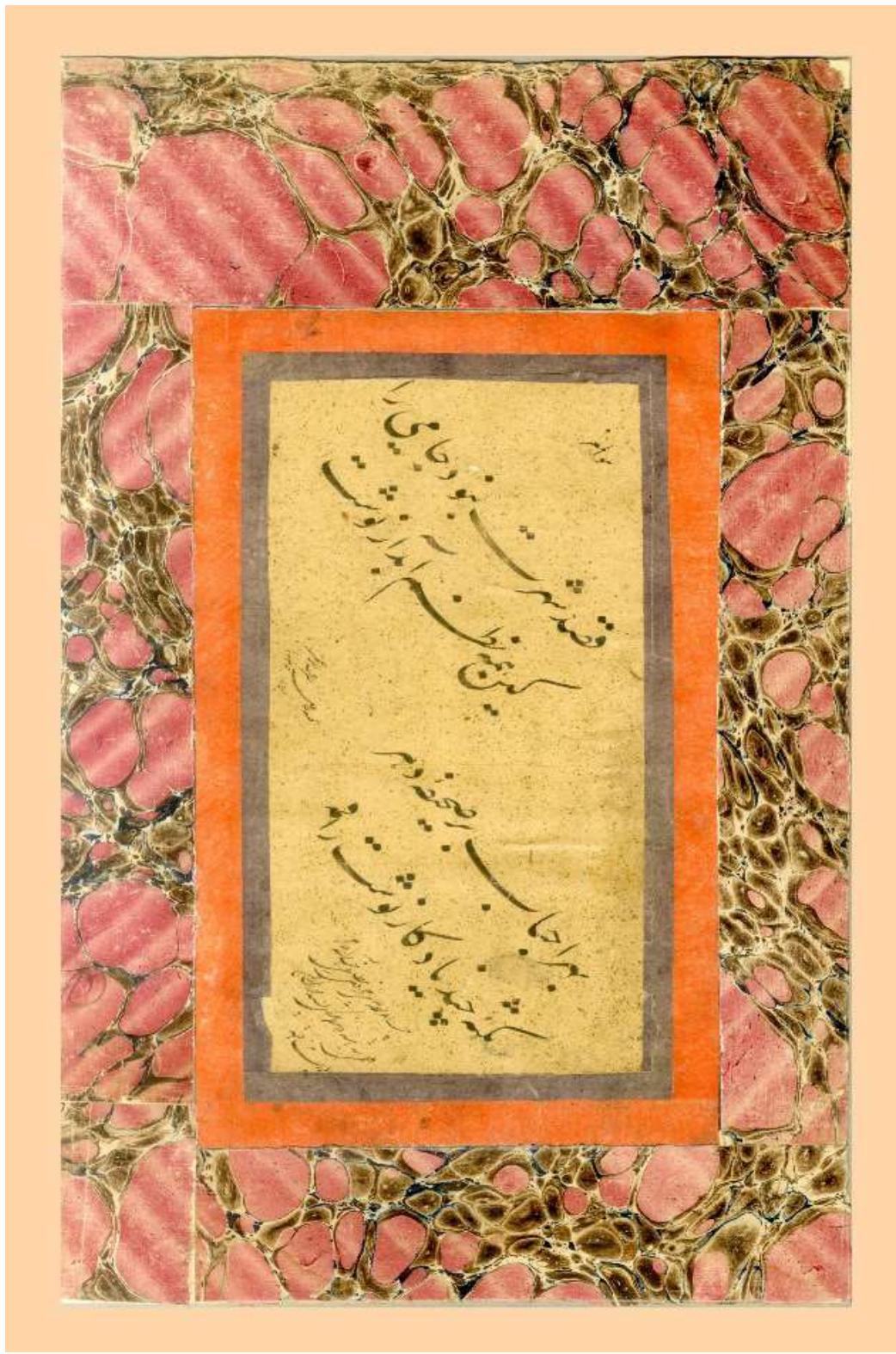
تناسب حروف در صعود و نزول، سبک‌تر بودن انتهای کشیده‌ها به ویژه حرف «ب»، کشیده‌های بلند بین نه تا یازده نقطه، سر دوونیم نقطه‌ای و نازک حرف «ج» با شروعی چون ابرو و قسمت دایره‌ای شکل با دور معکوس که معمولاً قسمت عقرب‌فتگی دایره «ج» برابر با سر «ج» است در حالی که در شیوه‌های قبلی نیم نقطه عقرب‌فتگی دیده می‌شود. مشخص‌تر و نازک‌تر بودن دندانه‌های حروف، عریض‌تر و با عمق کمتر دایره‌ها که گودی و مرکزیت قلم در ثلث آخر دایره قرار گرفته و شبیه به بیضی مؤّب، متصل و پیوسته بودن سرکش‌ها در «کاف» و «گاف»، با یک سوم قلم نوشته شدن چشمه‌های «صادها» در تابعی عالی، در مجموع مریع بودن نقطه‌ها و مستطیل بودن نقطه داخل دایره «ن» را از ویژگی‌ها و شگردهای روش میرعبدالرحمان می‌توان بر Sherman.



تصویر ۱: قطعه خط مؤّخ ۱۲۲۰ق. - آرشیف ملی افغانستان



نامه باسیغیر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی



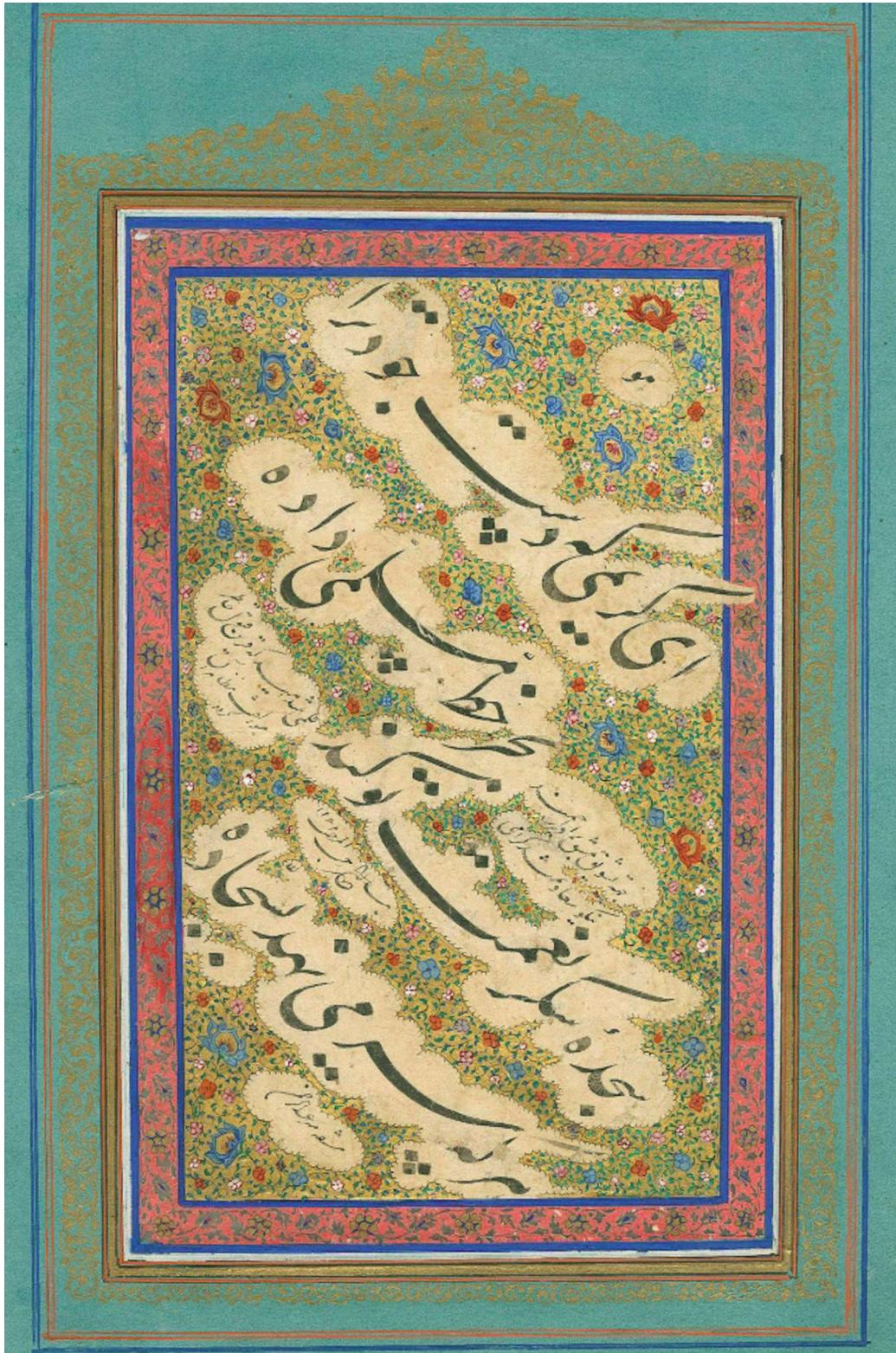
تصویر ۲: قطعه خط مؤرخ ۱۲۳۲ق. - آرشیف ملی افغانستان



تصویر ۳: قطعه خط مؤرخ ۱۲۵۹ق. - آرشیف ملی افغانستان



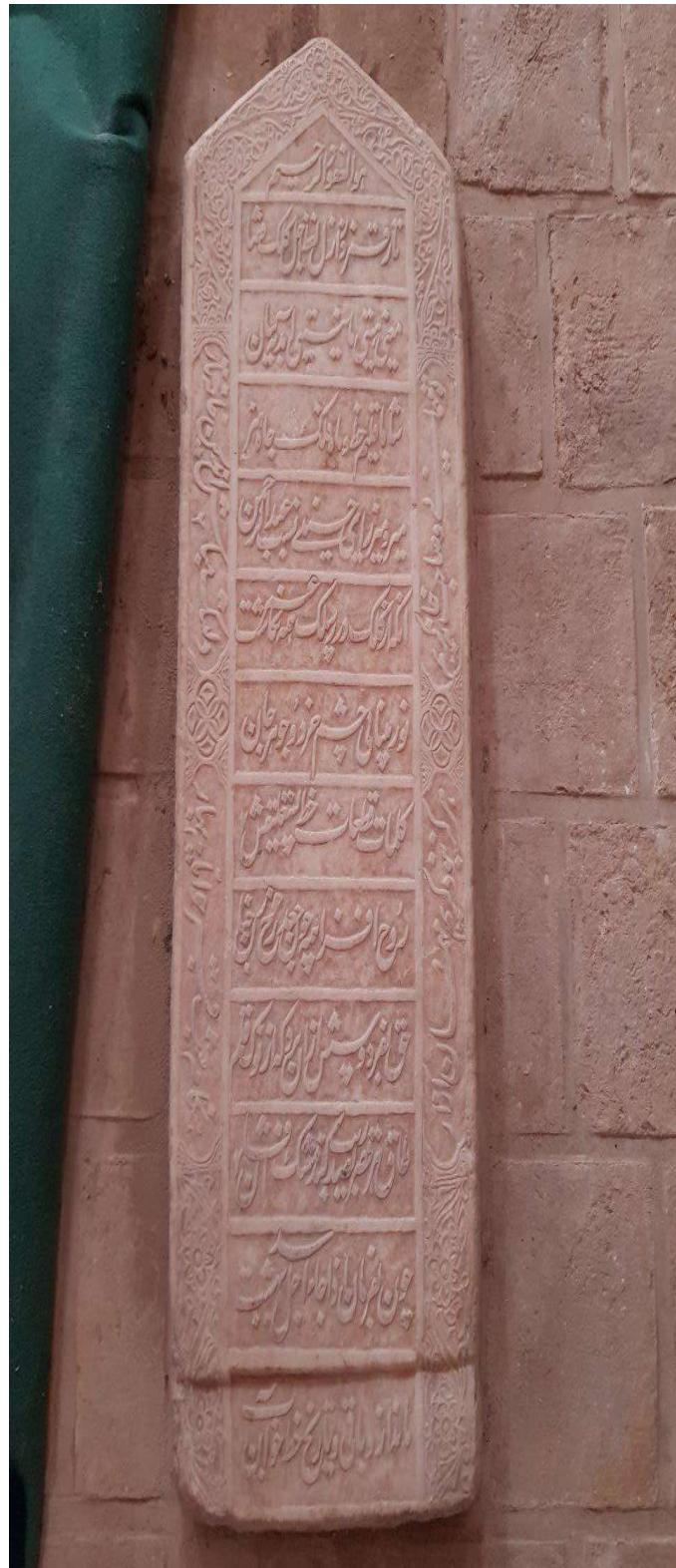
نامه باسیغیر، شماره دوم، ۱۳۹۹ خورشیدی



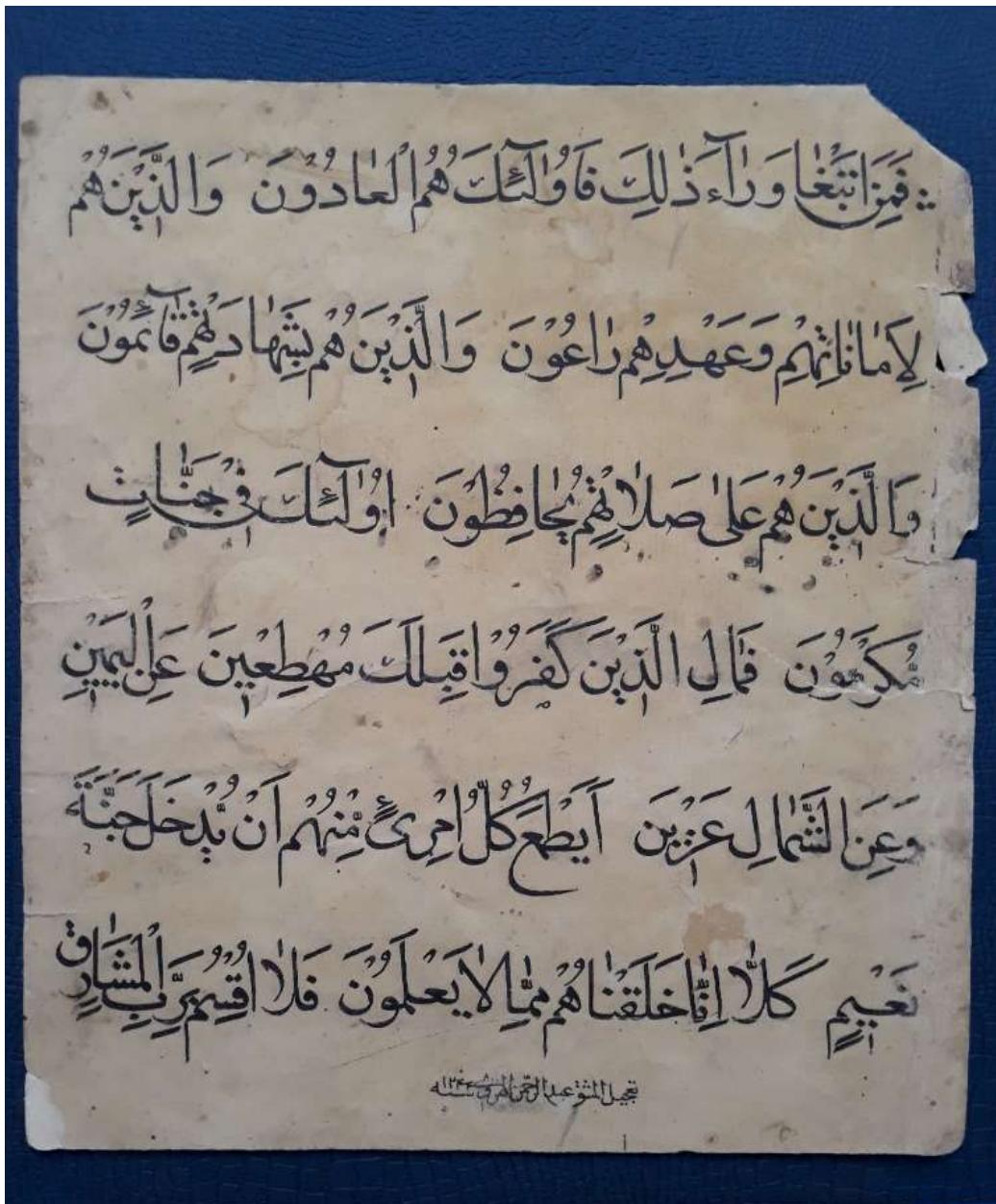
تصویر ۴: قطعه خط مؤرخ ۱۲۶۲ق. - آرشیف ملی افغانستان



تصویر ۵: قطعه خط مؤرخ ۱۲۶۷ق. - آرشیف ملی افغانستان



تصویر ۶: سنگ مزار میرعبدالرحمان هروی در گنبدخانه مزار سید عبدالله بن معاویه در مصرخ کهندز هرات



تصویر ۷: تعجیل المشق عبدالرحمان هروی سنه ۱۲۴۴ق. - مجموعه شخصی محمدرضا سروش در بیرجند

### یادداشت‌ها

«تعجیل المشق» اصطلاحی است مبني بر این‌که اثر از کارهای تمرینی هنرمند است و کار اصلی و نهایی او محسوب نمی‌شود.

## منابع

- بیانی، مهدی، (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوش‌نویسان*، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
- حبیبی، عبدالحی، (۱۳۵۵)، *هنر عهد تیموریان و متفرعات آن*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خسته، خال محمد، (میزان ۱۳۳۶)، «*میرعبدالرحمان*»، مجله‌آریانا، شماره مسلسل ۱۷۷، صص ۱۴ - ۱۶.
- خلیل، محمدابراهیم، (۱۳۳۹)، *میزرات شهر کابل*، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۵۰)، *مجموعه خطوط*، کابل: انتشارات بیهقی.
- سلجوکی، نصرالدین، (۱۳۸۶)، *جلوه‌های هنر*، هرات: مطبوعه توانا.
- سنگلاخ، میرزا محمدعلی، (۱۲۹۱ق.)، *تذکرہ خوش‌نویسان (امتحان الفضلا)*، ج ۲، چاپ تبریز.
- مایل هروی، غلامرضا، (۱۳۴۹)، «*هنر خطاطی افغانستان امروز*»، مجله هنر و مردم، دوره ۸، شماره ۹۵، صص ۱۹ - ۲۰.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۴)، «پویشی در شناخت خط»، در کتاب *نخستین سمینار هنر خط در دو قرن اخیر افغانستان*، کابل: کمیته دولتی کلتور، صص ۳۲ - ۴۳.
- فضایلی، حبیب‌الله، (۱۳۵۹)، *اطلس خط تحقیق در خطوط اسلامی*، چاپ دوم، اصفهان.
- فکری سلجوکی، عبدالرئوف، (۱۳۱۴)، «*میرزا عبدالرحمان هروی*»، مجله ادبی هرات، شماره ۲ و ۳، صص ۶۲ - ۶۴.
- قاسملو، مجتبی، (۱۳۹۲)، *تاریخ فشرده خط و خوش‌نویسی*، تهران: انتشارات سخن.
- کاتب، ملا فیض‌محمد، (۱۳۳۱)، *سراج التواریخ*، کابل: مطبعة حروفی دارالسلطنه.
- ملک دل، (۱۳۹۳)، *منتخب آثار خوش‌نویسی آرشیف ملی افغانستان*، کابل: آرشیف ملی افغانستان.
- نعیمی، علی‌احمد، (۱۳۵۳)، *خطاطان و نقاشان هرات از ادوار تیموری تا نخستین سالگرد جمهوری*، حاشیه و پاورقی میر عبدالعلی شایق، هرات: مطبعة دولتی.
- واعظ، اصلالدین، هروی، عبیدالله و هروی، ملامحمد‌صدیق، (۱۳۸۶)، رساله *میزرات هرات*، تصحیح و حواشی فکری سلجوکی، هرات: انتشارات فاروقی.
- وکیلی فولنایی، عزیزالدین، (۱۳۴۲)، *هنر خط در افغانستان در دو قرن اخیر*، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
- هروی، دوست‌محمد، (۱۳۴۹)، ذکری برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان (تعلیقات فکری سلجوکی بر دیباچه دوست‌محمد)، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی.